



تلواسه، مجموعه رباعی سروده عبدالرضا طباطبایی

مرد ندانند و ندانم دارم /دلگرم از این غم که تو را کم دارم
از درد نداشتن موراکی نیست /تلواسه ی ماندگاری غم دارم
عبدالرضا طباطبایی سال هجست می نویسد و شعر می گوید.
چندین بار نوشته ها و داستان ها و شعرهای او را در «نگاه پنجشنبه» رباعی است که مجموعه رباعی است. نگاه عبدالرضا طباطبایی به رباعی، نگاهیه عاشقانه یا تکیه ای احساسی است که گاه به نگاهی اشاره دارد که حرف دل مردم است بی آن که شعاعر بدهد. یا اصرار بر این داشته باشد که حرف هایش رنگ سیاسی بگیرد.
بن مایه شعر طباطبایی، عشق است و عشق وانگیزه او از سرایش رباعی هایش این است که چشم اندازهای زندگی را به زیباترین شکل ممکن بگرد و آن را دستمایه ای برای سرودن شعرهایش قرار دهد. از مجموعه تلواسه چند رباعی شوراکنگر را تقدیم خان می کنیم و برای عبدالرضا طباطبایی آرزوی توفیق روزافزون داریم.

۱. همه یز دانیور

لبخند خدا

راهی به چکاد آسمان ما را بس
یک روزنه رو به کجکشان ما را بس
دینیا و بهشت و آن جهان سهم شما
لبخند خدای مهربان ما را بس

تلواسه

من درد ندارند و ندانم دارم
دلگرم از این غم که تو را کم دارم
از درد نداشتن موراکی نیست
تلواسه ی ماندگاری غم دارم

دل آفتاب

دلداگی و عشق خیالی شده است
گلخانه آسیر خستگانی شده است
از سردی آسمان زمین بخ زده است
شاید دل آفتاب خالی شده است

قرار دل

در همهجه ی بهار بنهان شد و رفت
پشت سر انتظار بنهان شد و رفت
تا بود قرار همه ی دل ها بود
در لحظه ی بی قرار بنهان شد و رفت

صبح

خورشید گل ستاره را پرپر کرد
باران طلا روانه ی خاور کرد
مهربان به فصل صبح ایمان آورد
شب معجزه ی ظهور را باور کرد

لحظه رسیدن

بازچه ی بینهوده دودین شده ایم
چون آیمه ی قرار دین شده ایم
از دوری و از فاصله ها می ترسیم
دلبنسته ی لحظه ی رسیدن شده ایم

افسوس

از نخل و کنار و بر که دور افتادیم

